



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

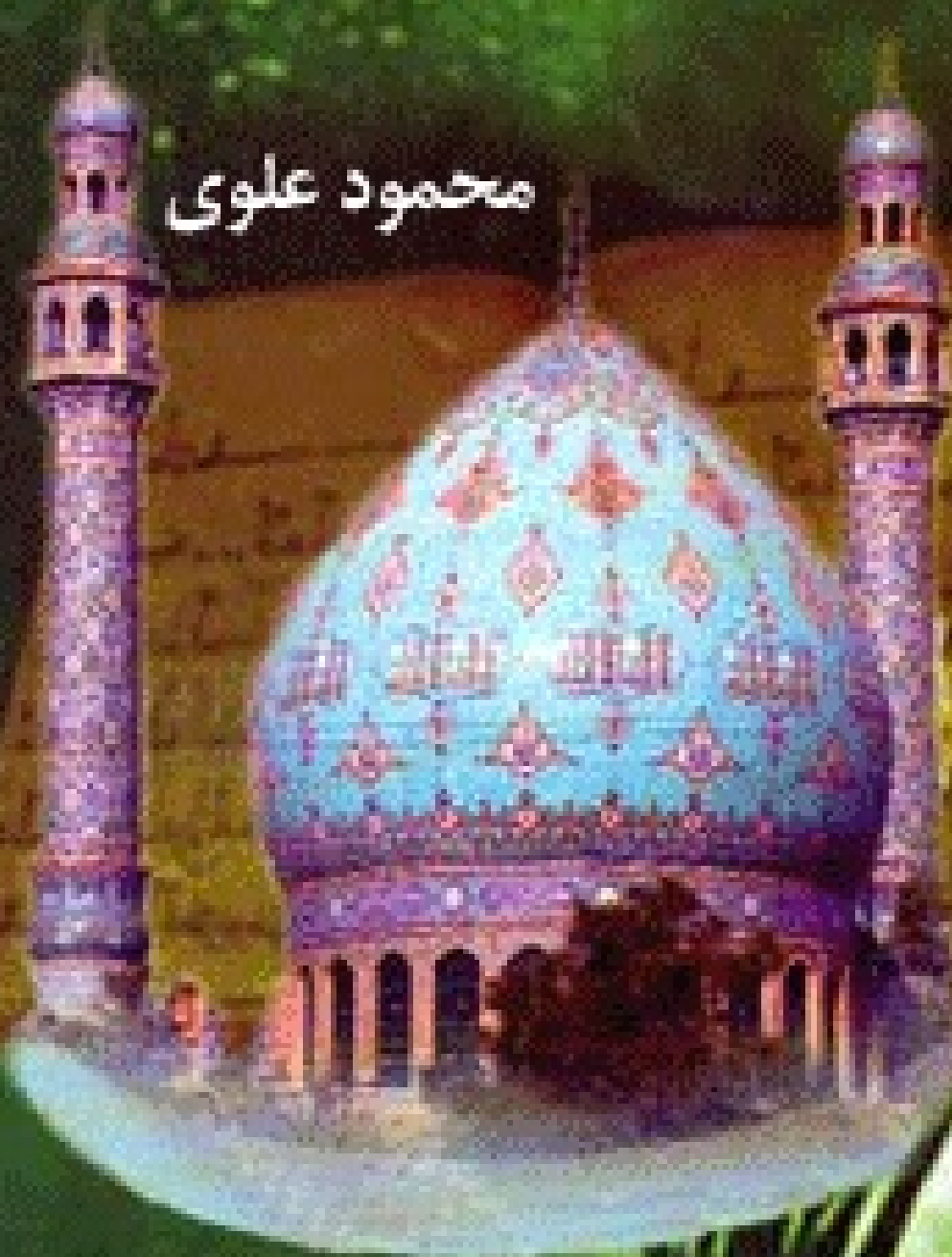


عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# شناخت امام زمان (عج)

محمود علوی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# شناخت امام زمان (عج)

نویسنده:

محمود علوی

ناشر چاپی:

مهام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... شناخت امام زمان (عج)
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... گفتگو با حجة الاسلام والمسلمین شیخ عبدالقائم شوشتری
۱۰	..... پاورقی
۱۱	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## شناخت امام زمان (عج)

## مشخصات کتاب

- سرشناسه: علوی محمود، ۱۳۱۷-  
 عنوان و نام پدید آور: شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه محمود علوی  
 مشخصات نشر: تهران مهام ۱۳۷۷.  
 مشخصات ظاهری: ۴۸ ص. ۵/۱۱×۱۶/۵سم.  
 شابک: ۱۵۰۰ ریال؛ ۱۲۰۰ ریال (چاپ سوم)؛ ۱۵۰۰ ریال (چاپ چهارم)؛ ۲۲۰۰ ریال (چاپ پنجم)؛ ۲۲۰۰ ریال (چاپ ششم)؛  
 ۵۵۰۰ ریال (چاپ هفتم)  
 یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۷۶.  
 یادداشت: چاپ چهارم: ۱۳۷۷.  
 یادداشت: چاپ پنجم: ۱۳۸۰.  
 یادداشت: چاپ ششم: ۱۳۸۱.  
 یادداشت: چاپ هفتم: ۱۳۸۶.  
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس  
 موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق -  
 موضوع: مهدویت — انتظار  
 رده بندی کنگره: ۱۳۷۷ ۹/۷۷ع/BP۵۱  
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۹  
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۶۶۴-۷۷

## گفتگو با حجة الاسلام والمسلمین شیخ عبدالقائم شوشتری

دکان عاشقی را بسیار مایه باید گفتگو از: محمود مطهری نیا اشاره: حجة الاسلام والمسلمین شیخ عبدالقائم شوشتری پس از آنکه تحصیلات حوزوی را تا مرحله سطح در شهر مقدس مشهد گذراندند به آستان بوسی حضرت معصومه، سلام الله علیها، به شهر قم عزیمت و در آنجا از محضر استادان و علمایی نظیر مرحوم علامه طباطبایی، آیه الله بهاء الدینی، رحمه الله علیهما، و آیه الله العظمی بهج کسب فیض نمودند. ایشان در عرفان، اخلاق، ادیان و مذاهب مطالعات زیادی داشته‌اند و در حال حاضر امام جمعه شاهین شهر اصفهان و استاد حوزه علمیه اصفهان می‌باشند. وجود ایشان زینت بخش مجالس و محافل مهدوی این شهر است. در حدیث داریم که: «من مات و لم يعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیة» مراد از معرفت امام در این حدیث چیست؟ آیا معرفت شناسنامه‌ای؛ اینکه حضرت پدرشان که بوده و مادرشان که بوده، در کجا متولد شده‌اند و... کافی است، یا حد بالاتری از معرفت مورد نظر است؟ معرفت مراتبی دارد. کمترین حد معرفت همان معرفت شناسنامه‌ای است و مرحله بالاتر معرفت نورانی (معرفه بالنورانیة) است، چنانکه حضرت امیر، علیه السلام، فرمودند: «مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ، مَعْرِفَةُ اللَّهِ». هر چه [۱] معرفت ما نسبت به حضرت مهدی، علیه السلام، عمیق تر و ریشه دارتر باشد، به همان نسبت در توحید هم عمیق تر خواهیم بود. یک نسبت مستقیم بین «معرفه الله» و «معرفه الامام» وجود دارد و حدیث «من مات و لم يعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیة» ناظر است بر همه مراحل معرفت. آن

مرحله‌ای که اگر انسان شناخت نداشته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است، مرحله‌ای است که در آن انسان حتی فاقد معرفت شناسنامه‌ای است. اگر کسی کمترین مرحله معرفت را داشته باشد، به مرگ جاهلیت نمی‌میرد، اما به کمال نمی‌رسد. اگر ممکن است مراتب معرفت را ذکر کنید. حداقل را که گفتید همان معرفت شناسنامه‌ای است و حداکثر آن معرفت نورانی، در این باره بیشتر توضیح دهید. به قول فلاسفه مراتب تشکیکیه است. ممکن است همان ده مرتبه که برای ایمان ذکر شده برای معرفت [۲] هم ذکر کنیم. گفته‌اند حضرت درست است ده درجه ایمان داشته است در توحید و ده درجه ایمان هم در ولایت حضرت علی، علیه‌السلام. به همین نسبت معرفت هر کسی در توحید کاملتر است در ولایت هم کاملتر است. آیا این ده مرتبه در جایی ذکر شده است؟ نه، بتفصیل در جایی ذکر نشده است. تنها گفته شده حضرت سلمان درست است ده درجه ایمان داشته، ابوذر نه درجه و مقدار هفت درجه. [۳] به هر حال این نکته‌ها بیان شده اما اینکه تفکیک این مراتب کدام است ذکر نشده است. معرفت نورانی را لطفاً تعریف بفرمایید. پیغمبر اسلام، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فرمودند: «أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللهُ نُورِي؛ خداوند متعال اولین چیزی که آفرید نور من بود» و یا در حدیث دیگر: [۴] «خَلَقَ اللهُ الْأَشْيَاءَ بِالْمَشِيَّةِ وَالْمَشِيَّةُ بِنَفْسِهَا وَ نَحْنُ تِلْكَ الْمَشِيَّةُ؛ خداوند اشیاء را به وسیله مشیت آفرید و مشیت را بی‌واسطه و ما همان مشیت هستیم». آشنایی با این مسائل معرفت نورانی است. عالم بر دو گونه است: عالم خلق و عالم امر. به تعبیر دیگر طبیعت و ماوراء طبیعت. فضائل و مناقب ائمه اطهار، علیهم‌السلام، دو گونه است: برخی فضائلشان فضائل خلقی است و برخی دیگر، فضائل امری است. آشنایی با عالم امر و فضائل امری حضرات ائمه، علیهم‌السلام، مقدمه معرفت بالنورانیة است. طالب معرفت باید برای این منظور دوره کلاس ولایت را ببیند و آشنا شود. راههای شناخت پیدا کردن کدام است؟ راههای شناخت به قول جناب خواجه حافظ: «دکان عاشقی را بسیار مایه باید». کتابهایی را که درباره حضرت مهدی، علیه‌السلام، نوشته شده به فارسی و عربی، روایی، فلسفی، کلامی همه جورش را باید مطالعه کرد تا معرفت انسان نسبت به حضرت مهدی، علیه‌السلام، بیشتر شود. ولی بالاتر از این تقواست؛ که خود تقوا و عبادت و بندگی یکی از راههای معرفت است. در خود قرآن کریم خدای تعالی می‌فرماید: «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ؛ عبادت کن تا به یقین برسی». [۵] پس معلوم می‌شود عبادت راه رسیدن انسان به یقین است؛ چه یقین در توحید، چه یقین در ولایت. این راه دوم شناخت پیدا کردن است و راه سوم اینکه، خدمت استادانی که محضر مقدس حضرت مهدی، علیه‌السلام، مشرف شده‌اند برسیم و با آنها گفتگو و مجالست داشته باشیم. خلاصه مجالست با مقربان حضرت مهدی، علیه‌السلام، که در هر زمان بوده‌اند و هستند و خواهند بود. عبادتی که منجر به معرفت‌الله می‌شود آداب مشخصی دارد و در روایات آنها را می‌توان دید آیا عباداتی که کمک به معرفت حضرت می‌کند، همانهاست یا مصادیقی دیگر هم برای آنها ذکر شده؟ بله، علاوه بر آنها عبادتهای خاصی هم هست. بعضی از ختومات و اذکار هست که مخصوص حضرت مهدی، علیه‌السلام، است. اینها را انسان مداومت بکند آثار سریعتری می‌بیند. مثلاً زیارت آل یس دو نسخه است و دو گونه ذکر شده است و هر دو اولش «سلام علی آل یس» است. نسخه مختصرش که در مفاتیح است و خیلی خوب است ولی نسخه مفصلش خیلی بهتر است که در کتبی نظیر «صحیفه الهادیه»، است که خود مرحوم علامه طباطبایی به بنده فرمودند هر کس چهل روز به آن نسخه مداومت کند مسلماً محضر حضرت مشرف می‌شود. آیا این مصداق بابت نیست که بگوییم هر کس فلان ذکر را فلان مدت بگوید حتماً محضر حضرت مشرف می‌شود؟ خیر، زیرا این ذکر علت تامه نیست و شرایط دیگری هم لازم است برقرار شود؛ مثلاً اگر کسی یک ختم را انجام بدهد ولی از محرمت پرهیز نکند نتیجه نمی‌گیرد. علما و افرادی که محضر حضرت مشرف شده‌اند دو دسته می‌شوند: دسته اول امثال سید بحر العلوم و سیدبن طاووس هستند که قضیه تشریف ایشان مسلم است. ولی این دسته عمدتاً کتمان می‌کنند و نهایتاً این است که بگویند بعد از مرگم این قضیه را نقل کنید و قبل از آن را راضی نیستم. دسته دوم هم کسانی هستند که این جریان تشریف را برای خودشان مغازه کرده‌اند و به مشتری جمع کردن می‌پردازند حال آنکه پشت پرده چیز دیگری است. راه تشخیص و تفاوت قائل شدن میان این دو دسته چیست؟ من خودم شخصاً به کسانی که ادعا می‌کنند، فوراً شک می‌کنم؛

یعنی اطمینان نمی‌کنم به آنها. یک مرتبه حاج احمد آقا از حضرت امام سؤال کرد: «پدر جان من فهمیدم که یک حقایقی هست که دست ما به آن نرسیده است؛ یا خود شما مرا به فضائل و مناقب ائمه اطهار، علیهم‌السلام، دو گونه است: برخی فضائلشان فضائل خلقی است و برخی دیگر، فضائل امری است. شاگردی قبول کنید یا اینکه کسی را به من معرفی کنید که بروم از محضرش استفاده کنم.» امام در جواب فرمودند: «احمد! آن را که خبر شد خبرش باز نیامد.» این مطلب امام مطلب حقی است. شاید بتوان گفت ۹۹٪ کسانی که محضر مقدس حضرت مهدی، علیه‌السلام، برآستی مشرف شده‌اند نامشان در هیچ کتابی نیست و از زبان هیچ گوینده‌ای هم نمی‌توان شنید. مثلاً خود امام من یقین دارم که ایشان تشریفاتی خدمت حضرت داشته‌اند ولی هیچ کس از آنها با خبر نیست. مرحوم آیت‌اله بهاء‌الدینی یکبار از زبانش در رفت که ایشان مکرر خدمت حضرت تشریفاتی داشتند ولی یکبار آن را از زبانشان شنیدم که در جلسه‌ای که حضرت مهدی، علیه‌السلام، بوده‌اند ایشان هم در آن جلسه حضور داشته‌اند و قصد گفتن آن را نداشتند. من به آنها که اظهار می‌کنند، حسن ظن ندارم؛ جز آنکه در حد سیدبن طاووس باشند یا سید بحرالعلوم یا مقدس اردبیلی یا امثال ایشان. در آخرین توفیق حضرت به علی بن محمد سمری عبارت «مَنْ ادَّعى المُشاهدَةَ... فهو كَذَّابٌ مُفْتَرٌ» یعنی [۶] چه؟ استنباط من این است که منظور از «مشاهده»، نیابت خاصه است. چون که حضرت می‌خواستند دوران نیابت خاصه را پایان یافته معرفی کنند و لذا به او توصیه می‌کنند و تو بعد از خودت به کسی در این مقطع درباره نیابت خاصه وصیت نکن که هر کسی بخواهد آن را ادعا بکند دروغ‌گوست و افترا می‌بندد. چرا لفظ «مشاهده» به کار رفته است و از الفاظی نظیر نیابت و خلافت که چنان مفهومی از آن استنباط می‌شود استفاده نشده است؟ صدر توفیق ذیل آن را معنی می‌کند. آیا در عربی «مشاهده» به چنین معنایی به کار رفته است؟ «مشاهده» در عربی به معنی دیدار طرفینی است؛ یعنی وقتی ما مثلاً می‌گوییم «مضاربه»؛ یعنی زد و خورد شد. هم زد و هم خورد. «مشاهده» هم به معنی این است که من هر وقت حضرت را بخواهم ببینم می‌توانم و هم حضرت هر وقت بخواهند می‌توانند مرا ببینند. این را حضرت نفی فرموده‌اند. ولی آن قدر که من در این زمینه مطالعه داشته‌ام، اذکار و ختم زیادی داشته‌ام، اشخاص بزرگی را ملاقات کرده‌ام به این نتیجه رسیده‌ام که قطعاً امکان تشریف هست؛ یعنی اگر تمام عالم جمع شوند بگویند امکانش نیست من باورم نمی‌شود. چرا که من یقین کرده‌ام امکانش هست. اما نوع تشریف برای اشخاص مختلف متفاوت است. اکثر آنها که می‌گویند خدمت حضرت مشرف شدیم راست می‌گویند کسی را دیده‌اند و کراماتی از او مشاهده کرده‌اند ولی خود حضرت نبوده است. غالباً یا اوتاد یا ابدال یا نجبا و یا صلحا بوده‌اند. یعنی آنها یکی از افرادی را مشاهده کرده‌اند که در دوران غیبت با حضرت در ارتباطند. البته در بعضی از موارد خود حضرت بوده‌اند. دیگر آنکه ممکن است بعضی راست بگویند ولی برای آنها مکاشفه شده است و مشاهده نبوده است. ما سه نوع ملاقات داریم: ملاقات در خواب، ملاقات در بیداری و عیان مثل اینکه ما الآن همدیگر را می‌بینیم و نوع سوم مکاشفه است که حالتی بین خواب و بیداری است. انسان بیدار است ولی در مرز تعبیر و تاویل قرار می‌گیرد. مثل قضیه سیدرشتی که می‌گوید دیدم در آن شب حضرت در باغی ایستاده‌اند و با ییل به درخت می‌زنند و برفهای آن را می‌تکانند. مگر حضرت بیکارند که به درخت بزنند که برفهای آن بریزند؟ این مکاشفه بوده و معنا دارد. مکاشفه مثل خواب تعبیر دارد. پس اینکه بعضی می‌گویند مثلاً در بیابان مضطر شدم و یا «فارس الحجاز ادر کنی» گفتم «یا صاحب الزمان» گفتم و حضرت به فریاد رسید؛ چه توضیحی دارد؟ چه دلیلی دارد که حضرت بوده است. شاید از مأموران ایشان بوده‌اند. صرف اینکه با شخصی ملاقات کرده است ثابت نمی‌کند که آن شخص حضرت صاحب، علیه‌السلام، بوده‌اند، باید فرد شیعه کامل باشد تا بتواند در زمان غیبت خدمت حضرت برسد. آنها که مشاهده کرده‌اند اکثراً یا مکاشفه است یا دیدار اولیاءالله. چطور می‌توان این موضوع را تشخیص داد؟ باید به ریز قضیه نگاه کرد. مثلاً می‌گوید: خدمت حضرت مشرف شدم، مصافحه کردم، دست حضرت نرم بود یا دست در بدنشان فرو می‌رفت. این مکاشفه است. آنکه معاینه است حضرت جسم مبارکشان عرض و طول و وزن و رنگش مشخص است. یا مثلاً می‌گوید دیدم ایشان یکدفعه غیب شدند. درست است که حضرت می‌توانند جسم مبارکشان را غیب کنند ولی در



مواردی که ایشان غیب می‌شود غالباً مکاشفه است. در مورد حضرت رسول، صلی‌الله‌علیه‌وآله، ذکر شده است که گاهی ایشان مقابل کعبه می‌ایستادند و نماز می‌خواندند ولی کفار ایشان را نمی‌دیدند. آری، عرض کردم که حضرات معصومین چنین توانایی دارند. ما اعتقادمان این است که پیغمبر اکرم، صلی‌الله‌علیه‌وآله، و دوازده امام، علیهم‌السلام، صاحب ولایت تکوینی کلیه الهیه هستند؛ یعنی فرقی بین ایشان و خدا نیست الا- فرق مخلوقیت «لا- فرق بینک و بینهم إلا ائهم عبادک» این بزرگواران به اذن خدا [۷] همه کاره هستند ولی غالباً استفاده نمی‌کنند. جسم شریف حضرت در یک نقطه زمین بیشتر نیست ولی مظاهر ایشان که به صورت مکاشفه و... مشاهده می‌شود، ممکن است در آن واحد در هزار نقطه تجلی کند و با هر کسی می‌تواند حرف بزنند اما در حقیقت نسبت حضرت نسبت علت به معلول و یا خالق به مخلوق است. به عبارت دیگر این مظاهر همگی مخلوق حضرتند و به اراده حضرت ایجاد می‌شوند. حضرت فوق این حرفهاست. در حدیث داریم: «اجعلونا مخلوقین و قولوا فینا ماشئتم فلن تبلغوا؛ ما را مخلوق خدا بدانید آنگاه از ضایل و مناقب هر چه می‌خواهید بگویید تازه به آن حدی که ما هستیم شما هنوز نرسیده‌اید.» مقامی [۸] ایشان دارند که حتی انبیاء هم در آن مقام نیستند و اصلاً قابل قیاس هم نیستند و همه‌شان در مقام چهارده معصوم، علیهم‌السلام، باید بیایند و شاگردی کنند. بعضی از مردم وقتی می‌خواهند در مورد حضرت آگاهی پیدا کنند می‌پرسند آیا حضرت ازدواج کرده‌اند یا خیر؟ آیا فرزند دارند؟ آیا اگر جواب مثبت است آنها هم مثل ایشان عمر طولانی دارند؟ و یا کجا زندگی می‌کنند؟ پاسخ اینگونه سؤالات را چگونه باید داد؟ در مورد این مطالب با احتمال باید صحبت کرد و با یقین نمی‌توان. شاید حضرت مجرد باشند، احتمال دارد حضرت متأهل باشند و در همین شهرهای خود ما ساکن باشند ولی فرزندان ایشان را نشانند و یا احتمال دارد حتی ایشان را بشناسند. این احتمال قوی است که حضرت در شهرهای خود ما ساکن باشند دارای زن و فرزند باشند اما نه همسرشان، ایشان را بشناسد و نه فرزندان ایشان و نه نوه‌هایشان. تأیید می‌کند این مطلب را حدیثی که می‌فرماید: وقتی حضرت تشریف می‌آورند ۱۰۰۰ نفر از فرزندان خود او (بی واسطه و باواسطه) در خدمتش هستند. و احتمال سوم اینکه ممکن است حضرت از زن و فرزند خویش این موضوع را مخفی بدارد مثلاً- نامش را بگوید سید مهدی حجازی یا سید محمد علوی هر جور که بفرمایند درست است یا سید مهدی موسوی، سید مهدی رضوی چرا که سید مهدی هستند حجازی هم هستند یا سید محمد هستند علوی هم هستند می‌توانند اسماء فراوانی انتخاب کنند و خود را به آن معرفی کنند که البته این صرف احتمال است. ولی مطلب اساسی این است که ما در این مطالب مأموریت به کشف و اطلاع نداریم و نکته ظریفتر اینکه حال که آن حضرت در حال غیبت به سر می‌برند و باید مخفی باشند دوستان حضرت هم باید ایشان را کمک کنند در این مسأله یعنی در مخفی بودن. یعنی فرض کنیم اگر بنده بدانم حضرت در کدام شهر ساکنند و دارای زن و فرزند هستند نسبت به ایشان موظف هستم که این مطلب را مخفی بدارم و افشا نکنم. به شیخ کلینی که هم زمان حسین بن روح بودند گفتند که چطور شد شما که عالم و مجتهدید نایب خاص امام زمان نشدید ولی یک نفر کاسب نایب حضرت شد؟ ایشان فرمود: چون او رازدارتر از من بود. اگر حضرت زیر عبایش باشد می‌گوید: حضرت مهدی کجاست؟ ولی اگر من بدانم حضرت مهدی مثلاً در بغداد است طاقت نمی‌آورم و اگر یک نفر پرسید می‌گویم. حضرت در بغداد است. دلبرم در بر و پرسم ز کسان یار کجاست که اغیار ندانند که دلداری کجاست البته این قضیه قطعی نیست که ایشان مجردند یا متأهل به چه کیفیت. اما اینکه نقل می‌شود که حضرت در جزیره خضراء هستند بیشتر به افسانه شبیه است تا حقیقت. اینکه به مخفی بودن حضرت باید کمک کرد یعنی چه؟ منظور پنهان داشتن نشانی ایشان است نه معرفی نکردن شخصیت ایشان. در آن نباید کوتاهی نمود. باید تبلیغ کرد باید شخصیت حضرت را به مردم معرفی نمود. ولی اگر فرض کنیم که اینقدر من به حضرت نزدیک شدم که فهمیدم ایشان در شهر قم و فلان خیابان و فلان خانه ساکن هستند نباید به مردم بگویم و یا اگر فهمیدم حضرت زن و فرزند دارند و فلانی زن یا فرزند یا نوه ایشان است نباید معرفی کنم، باید مخفی کرد. رسانه‌های گروهی در معرفی و شناساندن حضرت مهدی، علیه‌السلام، به مردم چه نقشی می‌توانند داشته باشند؟ تبلیغات صحیحی از حضرت مهدی، علیه‌السلام، داشته باشند که مردم با

حضرت مهدی، علیه‌السلام، بیشتر آشنا شوند و درباره ایشان مردم را رشد بدهند. شیعه نسبت به حضرت مهدی، علیه‌السلام، خیلی کوتاهی می‌کند. ما باید بیش از این درباره شناخت حضرت مهدی، علیه‌السلام، کار بکنیم. یکی از دوستان بنده مرحوم حاج آقا نقوی فشنندی برای من نقل کرد که در یکی از تشریفاتی که خدمت حضرت مهدی، علیه‌السلام، داشتند (که این را در جلسات هم شنیده‌ام و مکرر شنیده‌ام) که حضرت مهدی، علیه‌السلام، گله کرده بودند از شیعیان و گفته بودند «شیعیان به فکر ما نیستند». و واقعش هم همین است شیعه درباره حضرت طلب وصول کافی ندارند و هر وقت به فکر حضرت می‌افتند به فکر ملاقات ایشان می‌افتند. در حالی که ملاقات مأموریت ما نیست و مأموریت ما معرفت نورانی است نسبت به حضرت. باید از حضرت شناخت کامل داشته باشیم. یعنی همین روشی که علمای ما دارند، علما، فلاسفه، حکما. در مورد حضرت چه کتابهایی را باید مطالعه کرد؟ کتابی است به نام کتابنامه حضرت مهدی، علیه‌السلام، که ۲۰۰۰ جلد کتاب را درباره حضرت مهدی، علیه‌السلام، معرفی کرده است. انسان اول باید این کتاب را تهیه کند و از روی آن فهرست کتابهای حضرت را یاد بگیرد. کسانی که فارسی بلدند کتابهای فارسی را مطالعه کنند و کسانی هم که عربی می‌دانند از کتابهای عربی استفاده کنند. اما اینکه یک کتاب که بتوانم در این باره خدمت شما عرض بکنم نمی‌توان یک کتاب را گفت که شما را مستغنی کند از بقیه کتب، هر کتابی یک بعد از قضیه را توضیح داده است. باید زیاد کتاب خواند. شیعیان عادی درباره حضرت باید حداقل ۱۰ جلد کتاب خوانده باشند و این حداقل است و طلبه‌ها هم ۱۰۰ جلد و محققان ۵۰۰ جلد مطالعه کرده باشند. حال برای آن ده جلد که فرمودید می‌توانید مثالهایی ذکر کنید؟ چند کتاب خدمتان عرض می‌کنم: «ولایت کلیه الهیه» مرحوم علامه میرجهانی، «مهدی منتظر، علیه‌السلام»، آشیخ جواد خراسانی، «مهدی موعود، علیه‌السلام»، ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار و امثال اینها. آیا تمام مطالب و احادیث این کتب یا دیگر کتب معتبر و قابل استفاده هستند؟ شما کتابی جز قرآن پیدا نمی‌کنید که در آن اشتباه نباشد. هر کتابی نقاط ضعفی هم دارد ولی ما باید از مطالب اساسی و محکم آنها استفاده کنیم. حضرت امیر، علیه‌السلام، درباره اولیاءاله می‌فرماید: «من غلب محاسنه مساویه فهو من الکاملین؛ کسی که خوبیهایش بر بدیهایش غلبه داشته باشد او از انسانهای کامل است». ما توقع داریم که به انسانی برخورد کنیم که هیچ نقصی نداشته باشد. در این صورت ما بی‌استاد می‌مانیم کسی که هیچ نقصی ندارد یک نفر است و او حضرت مهدی، علیه‌السلام، است. هر عارفی، هر استادی و استاد اخلاقی، هر بزرگی ممکن است صد نقطه مثبت داشته باشد و دو نقطه منفی هم داشته باشد. ما باید از آن نقاط مثبت وی استفاده کنیم. کتاب هم همینطور است. کتابی که هیچ نقصی نداشته باشد وجود ندارد به جز کتب آسمانی و کتابهایی که مربوط به انبیاء و ائمه طاهرین، علیهم‌السلام، است. به عنوان آخرین مطلب چه توصیه‌ای به جوانان و ما دارید؟ اولین شماره مجله موعود که به دستم رسید و مطالعه کردم خیلی خوشحال شدم که حرکت مثبت و مفیدی در باب ولایت و امامت انجام می‌گیرد. از همان موقع هر گاه به یاد دوستان افتاده‌ام دعا کرده‌ام که در کارهایتان موفق باشید و سفارش من به جوانان این است که بدانند ظهور نزدیک است و خودشان را آماده کنند و صالح و با تقوا باشند تا از حضرت مهدی، علیه‌السلام، خجالت نکنند. البته دقیقاً کسی تاریخ ظهور را نمی‌داند. به قول حضرت امام، رحمه‌الله علیه، که فرمودند ممکن است یکسال تا ظهور مانده باشد و شاید هم یکصد هزار سال. کسی دقیقاً نمی‌داند اما روایاتی که درباره علائم‌الظهور است و فضای قبل از ظهور را برای ما ترسیم کرده است نشان می‌دهد که ظهور خیلی نزدیک است و ممکن است نسل امروز آن را درک کند و لذا باید مهیا شد. هیچ آمادگی بهتر از تقوا و صلاحیت اخلاقی نیست و برای حضرت هم هر چه می‌شود بیشتر تبلیغ کنید. از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، سپاسگزاریم.

## پاورقی

[۲] ر.ک: همان، ج ۶۶، ص ۱۶۵، ح ۴.

[۳] ر.ک، همان.

[۴] همان: ج ۱۵، ص ۲۴، ح ۴۴؛ ج ۲۵، ص ۲۲، ح ۳۸.

[۵] سوره حجر (۱۵)، آیه ۹۹.

[۶] المجلسی، محمدباقر، همان: ج ۵۳، ص ۱۹۶.

[۷] قمی، شیخ عباس، مفاتیح‌الجنان، دعا‌های هر روز ماه رجب، دعای پنجم.

[۸] همان، ج ۲۵، ص ۲۷۹، ح ۲۲.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد.»



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

